

نگاهی به تحقیقات اجتماعی در ایران

ناصر تکمیل همایون^۱

۲۷۲

ماه گذشته، دوست فاضل و کوشنده‌ام آقای علی دهباشی کتاب «تحقیقات اجتماعی در ایران» را به دستم رساند و با شوق فراوان به مطالعه آن پرداختم و به نظرم رسید که با اظهار نظر درباره این کتاب، می‌توان دیگر کتابهای مؤلف محترم و پرتلاش را هم در پهنه نقد و بررسی قرار داد و بی‌تردید این امر با انگیزه آشنا کردن جوانان به بخشی از معارف انسانی، به درآمدی نیاز دارد که نگارنده با بضاعت اندک خود به آن خواهم پرداخت و سپس کتاب یاد شده را به محک شناخت خواهم زد.

دانشهای اجتماعی، هر یک به‌گونه‌ای در تاریخ فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، سابقه‌ای سنتی دارند و از این رو، پس از رنساس و انقلابهای صنعتی و سیاسی و فرهنگی اروپا و رشد و گسترش این دانشها در مغرب زمین و راه یا بی‌آنها به مشرق، به ویژه ایران، فرصتهای زیادی موجود بود که هر یک از آنها را با یکی از معرفتهای سنتی گذشته پیوند داد و با شیوه‌هایی علمی و جدید در بالندگی آن کوشید. عنایت به علم تاریخ با شناخت روشهای تاریخنگاری ایرانی - علم سیاست با آشنایی بر اندیشه نگارهای کهن و بررسی مسائل اعتباری حکومت، - علم

۱- عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم اجتماعی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

جغرافیا با توجه به «بلدان نویسی»ها و کتابهای ارزنده «مسالک و ممالک» و «سفرنامه»ها و برهمن قیاس با معرفت به مردم نگاری‌های گوناگون و شناخت «احصانیه‌های نفوس و عساکر و مالیات» و توجه به «عتیقات» و جز اینها، بر روی هم پایه‌های اولیه رشد علوم اجتماعی را فراهم ساخت و بیگانگی‌های این نوع معارف را در جامعه فرهنگی ایران رو به کاستی برد، اما بر روی هم جز چند استثناء چنین نشد که بحث دیگری را می‌طلبد.

در مورد جامعه‌شناسی که مشهورترین علم اجتماعی است و به لحاظی «محور علوم اجتماعی» به شمار می‌رود استاد معظم و بنیانگذار این علم در ایران، زنده یاد دکتر غلام حسین صدیقی در سمینار شهر تهران فرمودند:

«در مهر ماه سال ۱۳۱۹ که بنده درس جامعه‌شناسی را در دانشگاه تهران شروع کردم، حتی لفظ و عنوان جامعه‌شناسی در ایران به این نحو معمول نبود و آن را علم الاجتماع می‌گفتند و در هفته دو ساعت در دانشکده ادبیات و دانشرای عالی دانشگاه تهران به عنوان علم الاجتماع پرورشی تدریس می‌شد... در سال ۱۳۱۹ تنها پنج علم از علوم اجتماعی که حتی مردم به اصطلاحات آن هم آشنا نبودند، در ایران تدریس می‌شد. خوشبختانه اکنون چنانکه می‌دانید ساعت درس جامعه‌شناسی در ایران از دهها می‌گذرد و علوم اجتماعی در پانزده درس تدریس می‌شود»^۱ درس علم الاجتماع پرورشی که استاد بزرگوار بدان اشاره کرده‌اند درسی بود که دو ساعت در هفته مرحوم دکتر اسدالله بیژن به صورت تقریر ترجمه‌هایی مختصر از پاره‌ای متون در رشته فلسفه (دبیری و آزاد) تدریس می‌کرد و گویا پیشتر نیز یک جامعه‌شناس آلمانی به نام و. هاس W. HASS از سال ۱۳۱۳ خورشیدی تدریس این درس را برعهده داشته است.^۲

اما در پی تحولاتی که در «علوم اجتماعی» و توسعه و گسترش آن پدید آمد پس از گذشت ده سال استاد صدیقی در مراسم پرشکوه گزینش به عنوان «استاد ممتاز دانشگاه» طی خطابه‌ای در بهمن ماه ۱۳۵۲ خورشیدی بیان داشتند:

«درسهای علوم اجتماعی که در اوائل تأسیس دانشگاه تهران در سراسر کشور به چند ساعت در هفته محدود بود. با اقبال روز افزون دانشجویان گسترش در خود ملاحظه‌ای یافته است به

۱- [سخنرانیها و گزارش‌ها در نخستین سمینار بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران - اردیبهشت ۱۳۴۱] -

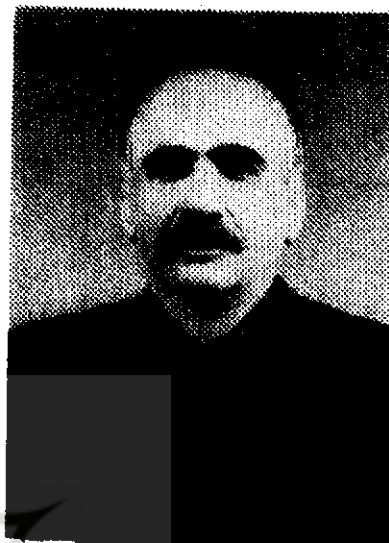
(تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ۱۳۴۳) ص ۳۲۴ - ۳۲۳.

۲- «جایگاه فرهنگی استاد فرزانه دکتر غلام حسین صدیقی» نوشته دکتر ناصر تکمیل همایون فرهنگ (کتاب نهم ویژه‌نامه علوم اجتماعی - تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تابستان ۱۳۷۰) ص

نظری به

تحقیقات اجتماعی در ایران

نوشته دکتر احسان نراقی
با همکاری عطا آیتی



● دکتر ناصر تکمیل همایون

۳۷۵

نحوی که مواد درسهای مذکور تنها در دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران در دوره روزانه و شبانه لیسانس و در دوره فوق لیسانس در هفته در حدود صد و پنجاه ساعت تدریس می شود و عده استادانی که به تدریس مواد آن علوم مشغول اند به پنجاه می رسد و جنبه عملی و تحقیقی و رایزنی آن علوم نیز در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی به صورت سودمند بدیع با کوشش مستمر به سوی کمال رهبر است»

از سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۵۷ خورشیدی، در فرهنگ و پژوهش اجتماعی تحول شگرفی پدید آمد و به باور نگارنده بی هیچ تردید استاد محترم دکتر احسان نراقی در پدید آوردن آن سهم به سزایی دارد.

نگارنده ذکر نکته ای را ضروری می داند، برای مثال اینجانب به لحاظ سیاسی راه و روش مرحوم ذکاء الملک فروغی را نمی پسندم، اما نمی توانم انکار کنم که به راستی در رواج فلسفه جدید اروپایی در ایران، ابتکار و خدمت او بی نظیر بوده است. کسانی هم ممکن است، از راه و

۱- «بزرگداشت بنیانگذار جامعه شناسی در ایران، نامه علوم اجتماعی (تهران دانشکده علوم اجتماعی و

روش سیاسی دکتر نراقی خوششان نیاید، اما از حقیقت و عدالت به دور است اگر سهم بسیار مهم ایجاد تحوّل در علوم اجتماعی را از آن وی ندانیم و به دلایل غیر علمی و غیر فرهنگی، کوشش‌ها و علائق یک هموطن دانشمند خود را نادیده انگاریم:

نگارنده این گفتار زمانی که آخرین کتاب دکتر نراقی را خواندم، عزم جزم کردم تا بررسی و نقدی از آن فراهم آورم، اما همواره نگران بودم که احساس شاگردی و دستیاری و همکاری و ارادت و رفاقت در تهران و فرنگستان و زندان یعنی «خانه و گرمابه و گلستان» و شب زنده‌داریهای جانسوزانه حیات یافتگی آن سان که در «سالهای دمشق» بر ما گذشت، ارادتمند را بر آن دارد که خدای ناکرده به دلیل «حبّ کثیر» نکته‌هایی را ناگفته گذارم و یا در تعریف و تمجید زیاده روی کنم، حاشا و کلا.

دکتر نراقی در این کتاب شرح همین توسعه و گسترش را به رشته تحریر کشیده است و از جنبه نظری و تئوریک (علمی) و جهت اجرایی و کاربردی (علمی) نشان داده است که چه زمینه‌هایی پیش از این بیست سال وجود داشته است که «علوم اجتماعی» در آن بالندگی پیدا کرده و در روند بیست سال نیز چه کوششهایی به منصفه ظهور رسیده تا این نوع بررسیها به قول دکتر صدیقی در مسیر «کمال» قرار گرفته است.

۱- دکتر نراقی و مسائل نظری «علوم اجتماعی»

تا شهریور ۱۳۴۴، چند کتاب درباره جامعه‌شناسی انتشار یافته بود، اما آن سال که باید «علوم اجتماعی» به معنای گسترده (شامل همه دانشهای اجتماعی) و ریشه‌دار (شامل گذشته هر یک از دانشهای اجتماعی) وجود نداشت و در غالب نوشتارهای مربوط به این علوم نیز بسیار اندک بر پیشینه‌های ایرانی و اسلامی آنها توجه شده بود. دکتر احسان نراقی با انتشار کتاب مشهور «سیر تکوینی علوم اجتماعی» یا «علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن» برای نخستین بار با نگرش جامع، هر یک از علوم اجتماعی را با ذکر سوابق تاریخی و عوامل رشد و تکامل و کیفیت پیوستگی آنها با یکدیگر، به رشته تحریر در آورد و در نقل و ترجمه از واژه‌ها و اصطلاحات خاص ادبی و تاریخی موجود معارف اسلامی و فارسی استفاده کرد و با آنکه ۳۵ سال از تألیف آن کتاب می‌گذرد، هنوز هم اعتبار علمی و کاربردی خود را دارد به ویژه اینکه دکتر نراقی در چاپهای بعدی کتاب فصلهایی بر آن افزوده و همواره کتاب را «به هنگام» و «روز آمد» کرده است. این کتاب، که به گمان نگارنده «کلید» ورود به دنیای «علوم اجتماعی» است در آغاز در چهار بخش و اکنون در پنج بخش به شرح زیر تدوین شده است.

بخش اول - علوم اجتماعی و جهان بینی‌های عمومی، شامل چهار فصل:

فصل اول - دانش اجتماعی در مراحل نخستین (یونان، قرون وسطی، اسلام - دوره نوزایش)
فصل دوم - علوم تدقیقی و دانش‌های اجتماعی (ریاضیات، طبیعیات)
فصل سوم - انسان به عنوان دایره مدار هستی (تاریخ و فلسفه تاریخ، لنینیسم، ولتر، ویکو، منتسکیو)

فصل چهارم - جنبش‌های فکری و فلسفی (دائرةالمعارف و نویسندگان آن - دیدار شناسان، کانت و مفهوم آزادی - هگل و خودآگاهی تاریخی، فلسفه طبیعت و مذهب تحصیل (پوزیتیویسم) سن سیمون، اگوست کنت - مارکس - جان استورات میل - اسپنسر).

بخش دوم - علوم اجتماعی در حال تکوین شامل پنج فصل:

فصل اول - انقلاب صنعتی و پیدایش علم اقتصاد (انقلاب صنعتی - آدام اسمیت، مرکانتیلیستها و فیزیوکراتها - حوزه اقتصاد متداول و روش قیاسی - حوزه تاریخی و روش مشاهده و استقراء)

فصل دوم - آمار و دموگرافی (علم آمار و چگونگی پیدایش آن - حساب احتمالات و علم آمار - دموگرافی - پیشرفتهای اخیر علم آمار)

فصل سوم - علوم سیاسی (صاحب نظران سیاسی - ماکیاول - تامس مور، کامپانلا - لاک - منتسکیو - روسو - حوزه سوسیالیستها - توکویل)

فصل چهارم - جغرافیای انسانی (انسان و محیط جغرافیایی - هومبولت راتسل، ویدال دولایلاش)

فصل پنجم - انسان شناسی (انسان شناسی فیزیک و چگونگی پیدایش آن، تحوّل انسان از نظر طبیعی - مفاهیم نژاد و ملیّت - اتنوگرافی و اتنولوژی)

بخش سوم - جامعه‌شناسی در عصر حاضر شامل پنج فصل:

فصل اول - جامعه‌شناسی در فرانسه (دورکیم - لری برول - مارسل موس - هالبواکس حوزه دورکیم و سرانجام آن)

فصل دوم - جامعه‌شناسی در آلمان (جامعه‌شناسی و فلسفه - ویلتاری - زیمل تونیس - ماکس وبر - ماکس شلر و پدیدار شناسی - نیرکندت - منهیم، جامعه‌شناسی در آلمان پس از جنگ جهانی دوم)

فصل سوم - جامعه‌شناسی در انگلستان (جامعه‌شناسی و نظریات اصلاحی - فایبوس مابان - چارلز بوت و کارادوک جانس - سیدنی و باتریس وب - مباحث نظری و تأسیس انجمن جامعه‌شناسی - هابهاس - گنسیبرک و منهیم - حوزه جامعه‌شناسی انگلیس پس از جنگ جهانی دوم)



دکتر سیاسی

فصل چهارم - جامعه‌شناسی در امریکا (پیدایش جامعه‌شناسی در امریکا، سامنر - کولی، گیدینگز - اسمال - راس - زنایسکی و ویلیام تامس - سوروکین - تالکت پارسنز - رابرت مرتن - جامعه‌شناسان دیگر در امریکای کنونی - رونق جامعه‌شناسی و جهات آن در امریکا - خصوصیات جامعه‌شناسی امریکایی)

فصل پنجم - جامعه‌شناسی در سایر کشورها (جامعه‌شناسی در ایتالیا - ویلفرد و پارتو جامعه‌شناسی در روسیه - جامعه‌شناسی در لهستان).

بخش چهارم - علوم اجتماعی و انسانی در عصر حاضر شامل هفت فصل:

فصل اول - انسان‌شناسی طبیعی (انسان و نظریه تطوّر انواع - انسان ابتدایی، خصوصیات جسمانی انسان کنونی - انسان کنونی و گذشته او - سنجش و اندازه‌گیری در انسان‌شناسی طبیعی - انسان‌شناسی و اکتشافات جدید زیست‌شناسی - انسان‌شناسی و مبحث ژنتیک مسأله اصلاح نسل)

فصل دوم - انسان‌شناسی فرهنگی و اجتماعی (مطالعه در انسان؛ استفاده از وسائلی زائد بر علوم طبیعی، نظریه تطوّر، نظریه تاریخی، انسان‌شناسی فرهنگی در امریکا طبیعت و فرهنگ و شخصیت، انسان‌شناسی و مردم‌شناسی در فرانسه، انسان‌شناسی اجتماعی در انگلستان - اقوام ابتدایی، فرهنگ‌پذیری، تدقیقات انسان‌شناسان در زمینه نژاد، انسان‌شناسی و زبان‌شناسی ساختمانی)

فصل سوم - علوم نفسانی و علوم اجتماعی (فرد و جامعه، پیدایش روان‌شناختی اجتماعی تواتمندی گروه‌ها، جامعه‌سنجی، روانشناسی انبوه‌های مردم - روان‌شناسی ملل، تصدیقات بلا تصور، تحلیل النفس و علوم اجتماعی، ممیزات ملی و طبیعت انسانی).

فصل چهارم - علوم اجتماعی و سیاست (علوم سیاسی از نظر روش و موضوع، رژیم‌های سیاسی از جهت اقتصادی و اجتماعی، مباحث جدید علوم سیاسی، استفاده از ریاضیات و آمار، روانشناسی اجتماعی و رهبران سیاسی خدمت انسان‌شناسی به شناسایی بهتر ملل، دموگرافی و سیاست، تصمیمات سیاسی و شناسایی علمی آنها)

فصل پنجم - علوم اجتماعی و اقتصادی (تحول در مبانی علم اقتصاد - شناسایی کلی زندگی اقتصادی - روش‌های جدید تحلیلی در علم اقتصاد - افزایش قدرت دولت، نقشه ریزی اقتصادی و روش‌های علوم اجتماعی - مسأله جمعیت و علوم اقتصاد - علوم اجتماعی و مفهوم رشد و توسعه اقتصادی، جنبه‌های روانی زندگی اقتصادی)

فصل ششم - نیاز دنیای کنونی به علوم اجتماعی (پیدایش نیازمندی‌های جدید، داعیه امروزی علوم اجتماعی، پیشرفتهای جدید علوم اجتماعی، مناسبات علوم اجتماعی با یکدیگر، رابطه میان عمل و نظر، مسئولیت اخلاقی عالم اجتماعی، علوم اجتماعی و مسأله آزادی بشر)

فصل هفتم - نمودی از بحران در علوم اجتماعی (نظری به زمینه‌های بحران، انعکاس بحران در علوم اجتماعی = سخنرانی در انجمن ایران علوم اجتماعی خرداد ۱۳۵۲).

مباحث یاد شده در سالهای پیش از انقلاب، مترقی‌ترین گفت و گوهای محافل علوم اجتماعی در سراسر جهان به شمار می‌رفتند و استاد محترم آقای دکتر احسان نراقی به صورت مختصر و مفید کلیه دانشجویان و علاقه‌مندان پژوهشهای اجتماعی را در مسیر آنها قرار داده بودند و نیز برای کسانی که مشتاق تحقیقات بیشتری بودند، کتاب سیر تکوینی علوم اجتماعی با معرفی منابع جدید، ارائه طریق می‌کرد و این روشنگری علمی در تاریخ فرهنگی ایران باقی خواهد ماند. ناگفته نماند که دوست محترم و عزیز و گاه «خوش قول»، جناب هرمز همایون پور آخرین چاپ این کتاب را (ویراسته جدید با اضافات و اصطلاحات) که توسط نشر و پژوهش فرزانه روز انتشار یافته، برای ارادتمند ارسال داشتند. بر این کتاب یک بخش (پنجم) زیر عنوان تأملاتی بر تحولات سه دهه اخیر علوم اجتماعی افزوده شده است این بخش به صورت پرسش و پاسخ توسط آقای عاشوری تنظیم گردیده و دکتر احسان نراقی پس از ذکر مقدمه‌ای بر علوم اجتماعی و فلسفه آن از انقلاب کبیر فرانسه بدین سو، دامنه سخن را به زمان حال و «پست مدرنیسم» رسانده است. در این گفتار «دید محدود و یک بُعدی مدرنیسم به فرد و جامعه»، «جزم‌اندیشی در فرایند مدرنیستی شناخت» «ناکامی در ایجاد جامعه موعود» مورد بحث قرار

گرفته است و اندیشه‌های سه دانشمند بزرگ میشل فوکو (فرانسوی)، یورگن هابرماس (آلمانی) و کارل پوپر (انگلیسی) به محک شناخت در آورده که برای محققان امروزی می‌تواند بخش زنده‌تر کتاب به شمار آید.

کتاب علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن فزون بر دادن دقیق‌ترین آگاهیهای علمی و تخصصی در سی و پنج سال پیش و کاربرد درست‌ترین اصطلاحات علمی بحث جدید پژوهش علمی «بین‌المعارفی»^۱ را که بسیار اندک مورد توجه دانشمندان قرار داشت، به میان آورد و در ذهن پژوهشگران ایرانی این واقعیت را جای داد که «هیچ یک از علوم اجتماعی حتی کامل‌ترین و دقیق‌ترین آنها را وضع و حالتی نیست که بتواند به تنهایی به تبیین امور اجتماعی بپردازد»^۱

مرحوم استاد بزرگوار عباس زریاب خویی درباره مولف این کتاب‌های دکتر نراقی نوشته‌اند که ایشان: «با نظم خاص و رعایت جنبه‌های تاریخی و منطقی در ضمن فصول و ابواب با بیانی روشن حق مطلب را تا آنجا که مقدور و میسر بوده است ارائه کرده‌اند و به طور قطع این کتاب را می‌توان در عداد کتب سودمند به حساب آورد و بلکه می‌توان گفت یکی از سودمندترین و محققانه‌ترین و جامع‌ترین کتابی است در موضوع خود (علم و حقیقت آن) که در عصر حاضر انتشار یافته است، یا لااقل تا آنجا که مخلص اطلاع دارد. یکی از بهترین و مفیدترین اثر فلسفی است که در عصر حاضر در کشورهای اسلامی تألیف و منتشر شده است»^۲

از دکتر نراقی کتابهای دیگری چون کیفیت زندگی، جامعه، جوانان، دانشگاه، غربت غرب، آنچه خود داشت آیین جوانمردی (ترجمه از هانری کوربن)، از کاخ شاه تا زندان اوین و چندین کتاب دیگر به زبانهای فارسی و عربی و اروپایی تألیف شده است و بررسی آنها به باور من که تمامی آن کتابها را به دقت خوانده‌ام، آشکار کننده روحیه عینی و نقاد مولف در حد اعتدال و نشان دهنده راه و روشی است که کارگزاران حکومتی می‌توانند برای بهبود جامعه انتخاب نمایند.

دکتر نراقی و مسائل اجرایی «علوم انسانی»

کتاب «نظری به تحقیقات اجتماعی در ایران» آگاهی‌ها و پیام‌های متعددی دارد که عنایت به همه آنها خود کتابی جداگانه است.

دکتر نراقی در آغاز گفت و گو از خانواده خود در کاشان و تهران و تحصیلات در ایران و رفتن

- INTERDISCIPLINAIRE

۱- نراقی، احسان - علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن (تهران، نشر فروزان ۱۳۷۹) ص ۳۵۸ - ۳۵۷

۲- همانجا، راهنمای کتاب دوره نهم، به نقل از علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن صفحه هجده و نوزده



دکتر غلامحسین صدیقی

به سوئیس و آشنایی با پروفسور ژان پیازه و درسهای روانشناسی و جامعه‌شناسی، و اخذ درجه لیسانس و بازگشت به ایران و آشنایی‌های صمیمانه با مرحوم دکتر مهدوی و مرحوم دکتر صدیقی سخن به میان آورده است و در همان زمان از تدریس خود در کلاس درس دکتر صدیقی با حضور معظم‌له سخن گفته است که این امر آغازگر دوستی‌ها و همکاری‌های آینده آنان شده است. همزمان دکتر نراقی از کار در اداره کل آمار و آشنایی با مرحوم دکتر عباسقلی خواجه نوری و پژوهش درباره رساله خود سخن به میان آورده است. وی همچنین از مرحومان دکتر مصدق، دکتر فاطمی، آیت‌الله کاشانی و دیگران هم به مناسبت‌هایی یاد کرده و از اوضاع اجتماعی آن روزگار نیز سخن به میان آورده است و چون هر جوان حساس دیگر، در سن ۲۷ سالگی احساس راستین خود را در ارتباط با روز شوم بیست و هشتم مرداد بیان کرده و چنین نوشته است: «در دو اندوهی که روز بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲ به من دست داد، در مسیر زندگی من تأثیر بسزای داشت. اکنون که حدود بیش از چهل سال از آن روز گذشته است، می‌توانم صادقانه به گویم که روز بیست و هشتم مرداد یکی از اندوه‌بارترین روزهای زندگی من بوده است»^۱

دکتر نراقی پس از ۲۸ مرداد، از بازگشت دوباره خود به اروپا، و پژوهش در موسسه تحقیقات دموگرافی و آشنایی با آلفرد سووی و ژان استوتزل (استاد راهنمای رساله) و تهیه رساله دکتری که در سال ۱۳۳۹ بوسیله دانشگاه پاریس به چاپ رسیده گفت و گو کرده که، بخشی از کوششهای این دوره وی به شمار می‌رود^۱

دکتر نراقی از این دوره به بعد با یونسکو روابط بیشتری پیدا کرده است و با استادان جامعه‌شناسی در جهان و اسلام شناسان و جامعه‌شناسان برجسته فرانسوی چون لویی ماسینیون، ژرژ گورویچ، ژاک برک ژرژ بالاندیه و دیگران آشنایی‌های بیشتری یافته است. در کنفرانسهای بین‌المللی و محافل جهانی جامعه‌شناسی شرکت کرده است و مقالات علمی وی در مشهورترین مجلات جامعه‌شناسی انتشار یافته است. دکتر نراقی سرانجام با آموخته‌ها و تجربیات زیاد به ایران بازگشته و در آن روزگار که مسأله تأسیس یک نهاد آموزش و پژوهش درباره مسائل اجتماعی در دانشکده ادبیات مطرح بوده وی به‌سان یک جوان آشنا و کوشا و علاقه‌مند (۳۱ - ۳۲ ساله) در بطن و متن این امر فرهنگی قرار گرفته است.

در سال تحصیلی ۱۳۳۶ - ۱۳۳۷ خورشیدی که دوره لیسانس فلسفه و علوم تربیتی را به پایان می‌بردیم روزی آقای رضا داوری اردکانی (دکتر رضا داودی رئیس فرهنگستان علوم کنونی) که با هم، همدرس بودیم، به من گفتند که گویا انجمنی به نام جامعه‌شناسی قرار است زیر نظر آقای دکتر صدیقی تشکیل شود و اتافی هم در اختیار این انجمن خواهند گذاشت و در آن جا تحقیقات اجتماعی سر و سامان پیدا خواهد کرد، و از ارادتمند دوستانه خواست که در جلسه‌های انجمن و کارهای بعدی آن شرکت کنم. بعدها هر دو شنیدیم، جوانی که دکترای جامعه‌شناسی دارد و تازه از پاریس آمده است در ایجاد این «انجمن» کوشش می‌کند و نامش احسان نراقی است. سرانجام پس از رایزنی‌های بسیار میان سه استاد بزرگوار دانشگاه تهران، دکتر صدیقی، دکتر مهدوی و دکتر سیاسی و گفت و گوی آنان با دکتر نراقی، در سال ۱۳۳۷ خورشیدی موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی^۲ به ریاست استاد دکتر غلام حسین صدیقی

۱- کتاب مزبور که شناخت جمعیت را در کشورهای جهان سوم که فاقد آمارگیری علمی بودند، مورد تحلیل جامعه‌شناختی قرار داده است در سالهای ۴۰ و ۵۰ (پیش از انقلاب) که نگارنده دانشجوی رشته جامعه‌شناسی (دوره دکتری) بودم در سه جلسه توسط پروفیسور ژرژ بالاندیه تدریس می‌شد و برای من و چند تن دانشجوی ایرانی که نام «جامعه‌شناس ایرانی» و «تحلیل علمی» او را می‌شنیدیم، به دور از هر موضع‌گیری سیاسی، شادی بخش و افتخارآمیز بود.

و مدیریت دکتر احسان نراقی پدید آمد و هدف آن در ماده دوم اساسنامه و به گونه‌ای در ماده اول آیین‌نامه نیز آمده، چنین بیان گردیده است:

«منظور از ایجاد این مؤسسه ترویج و انتشار علوم و مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران و شناساندن کیفیت امور و مسائل اجتماعی کشور و توأم نمودن جهات نظری علوم اجتماعی با بررسی‌های عملی است. این مؤسسه مرکز مدارک و اسناد تحقیقات اجتماعی و راهنمایی‌های علمی در مسائل مربوط به تعاون و رفاه اجتماعی با توجه به مسائل تحوّل سریع اجتماعی و توسعه اقتصادی است»^۱

بحث اصلی دکتر نراقی در کتاب نظری به تحقیقات اجتماعی در ایران، پیرامون مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و چگونگی پیدایش آن و کارها و کوششهای انجام یافته در آن است.

در مورد تأسیس مؤسسه، انواع داوریه‌ها شنیده شده است نخست داوری گروندگان عقیده‌های خیالپرستانه‌ای که از مدت‌ها پیش در قالب فکری از پیش تعیین شده خارجی، تحمّل هیچ‌گونه تحلیل علمی را نداشتند و «مؤسسه» را به «جناح دست راستی» و احتمالاً «امپریالیستی» منتسب می‌کردند.

دوم «کارگزاران حکومتی و امنیتی کشور که با پژوهش‌های جدید مؤسسه بسیاری از وعده و عیدهایشان بی‌پایه و بی‌بنیاد دانسته می‌شد و در برابر «صداقت» علمی، «کذب سیاسی» و قدرتمداریشان برملا می‌گشت، [آنان] مؤسسه را به «جناح دست چپی» و احتمالاً «کمونیستی» نسبت می‌دادند»^۲

دو گروه فوق به اضافه اشخاصی که دارای حُب و بعض‌هایی هم بودند یا به طور دقیق بر چگونگی «تأسیس مؤسسه» آگاهی نداشتند، داوری‌های نادرستی از خود نشان داده‌اند که نه مورد تأیید مرحوم استاد بزرگوار دکتر غلام‌حسین صدیقی قرار داشت و نه آقای دکتر احسان نراقی درستی آن داوریه‌های سخیف را پذیرفته است. دکتر صدیقی همواره از دکتر نراقی و کارهای علمی او دفاع کرده است، در مجلس تودیع دکتر نراقی، از وی تمجید و قدردانی فراوان نشان داده است. نگارنده بارها در خانه استاد و در حضور دوستان و آشنایان بسیار، شاهد بودم که مرحوم دکتر صدیقی از علم و دانش و کاردانی و صداقت و رفاقت دکتر نراقی سخن به میان می‌آوردند،

۱- «آیین‌نامه و برنامه مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی» مجله دانشکده ادبیات (تهران مهرماه

۱۳۳۷) شماره ۶ ص ۱۰۰

۲- «جایگاه فرهنگی استاد فرزانه دکتر غلام‌حسین صدیقی» ص ۲۳



علوم اجتماعی و سیرت‌کونی آن

نایب احسان نراقی



● دکتر احسان نراقی

همین طور در طی سالها رابطه و دوستی، یک بار هم نشنیدم که دکتر نراقی نسبت به مرحوم دکتر صدیقی و فضیلت و رادمردی و بزرگواری او به قدر ارزانی کوتاه بیاید این جملات دکتر نراقی که در کتاب «نظری به تحقیقات اجتماعی در ایران» آمده است، عقیده همیشگی او بوده و هست:

«دکتر غلام حسین صدیقی از نظر سجایای اخلاقی یکی از افراد استثنایی در پنجاه سال اخیر ایران بود. این مرد از نظر وقار و شخصیت همیشه مرا به یاد یک تعریفی از عزت نفس می‌اندازد که در قرن نوزدهم در کتاب درسی مدارس متوسط فرانسه نوشته شده بود و آن تعریف این بود: مفهوم واقعی عزت نفس این است که شخص احترام به خویش را بتواند با احترام به دیگران توأم کند. دکتر صدیقی نمونه بارز چنین فردی بود - وقار و متانتی که از رفتار او ناشی می‌شد موجب ارتقای معنوی دیگران می‌گردید یا به هر مجمعی که می‌گذشت پیر و جوان، عالم و عامی تحت تأثیر بیان و طرز رفتار و نزاکت و آداب دانی او قرار می‌گرفتند. وجود او نهیبی بود که از ابتدال دوری کنید، والا باشید، در همه حال وظیفه‌شناس و درست کردار باشید، او ناخواسته معلم اخلاق برای همه بود»^۱

کسانی که می‌خواهند بر پایی «مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی» را فقط به یکی از

این دو استاد مربوط نمایند، اگر سوء نیت نداشته باشند، حتماً آگاهی زیاد ندارند. دکتر صدیقی، وزیر برجسته دولت ملی و سرافراز دکتر مصدق، کسی نبود که با دولتیان کودتا، روبرو شود و برای حل و فصل امور اداری با آنان گفت و گو کند دولتیان نیز دکتر صدیقی را «سیاسی» و «مغضوب» می دانستند و برای آنان هم داشتن روابط مستقیم با دکتر صدیقی سخت و دردسر آفرین بود، اما دکتر نراقی محدودیت آن چنانی نداشت و با وزیر و وکیل و رئیس سازمان برنامه و با هر کس که لازم بود، گفت و گو می کرد و برای پیشبرد کارهای مؤسسه مطالباتی را مطرح می ساخت از مرحوم حاج محمد همایون رئیس هیئت مدیره وقت حسینیه ارشاد (برای تهیه میز و نیمکت و صندلی و چراغ و...) تا سرلشکر پاکروان رئیس سازمان امنیت (برای آزاد کردن دانشجویان دستگیر شده، یا اخذ موافقت صدور گذرنامه برای استادان و پژوهشگرانی که ممنوع الخروج بودند) جز اینها.

به عبارت دیگر دکتر صدیقی به مؤسسه احترام و وقار و اعتبار می داد دکتر نراقی، به معنای واقعی کلمه مدیریت مؤسسه را برعهده داشت و بلحاظ امور داخلی و رابطه مؤسسه با نهادهای اقتصادی و دولتی و بین المللی (یونسکو، سازمانهای علمی و دانشگاهی جهان) تمام فعالیتها برعهده او بود و هر دو آنها به یکدیگر احترام قائل بودند و با اتحاد و اطمینان کامل کارها را پیش می بردند.

آقای دکتر احمد و اشرف که برخاسته از این مؤسسه است همین معنا را رساتر بیان کرده است: «مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی به ریاست دکتر صدیقی و به مدیریت دکتر نراقی ارسال ۱۳۳۷ تأسیس شد. در آن زمان وجود هر دوی آنها برای بنیاد نهادن این مؤسسه پژوهشی ضروری بود. صدیقی از اساتید مورد احترام و پرنفوذ دانشکده ادبیات و علوم انسانی و از دوستان و نزدیکان دکتر سیاسی رئیس مقتدر دانشکده بود

بدون وجود او تأسیس دستگاه پژوهشی علوم اجتماعی که در عین حال دوره فوق لیسانس را هم ارائه کند از محالات می نمود. اما به دو سبب به تنهایی از عهده این کار بر نمی آمد. یکی اینکه با سابقه سیاسی که داشت مورد اعتماد دستگاه نبود، و دیگر آنکه حال و حوصله سر و کله زدن با دستگاههای گوناگون برای تهیه بودجه و اعطای طرحهای پژوهشی و آزاد فعالیتهای تحقیقی و نیز مدیریت امور روزمره مؤسسه را نداشت. بنابراین بدون مدیری که بتواند همه این امور را با کفایت انجام بدهد، تأسیس چنین مؤسسه ای امکان پذیر نبود^۱

۱- «یادواره غلام حسین صدیقی» ایران نامه، سال ۱۵، شماره ۴، ۱۳۷۶ ص ۵۳۹-۵۱۹ به نقل از نظری

با همه احوال، نظام استبدادی گذشته، استاد بزرگوار درس جامعه‌شناسی و رئیس محترم موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی را نیز به‌سان دیگر آزادیخواهان کشور دستگیر و زندانی کرد، به طوری که در سامان‌دهی سمینار شهر تهران که با کوشش دکتر احسان نراقی برگزار شد، آن‌سان که معظم‌له می‌خواستند، دست اندرکار نبودند و خودشان در سخنرانی سمینار با بیانی شیوا و ادیبانه و مودبانه بیان فرموده‌اند:

«بنده به سبب پیش آمدی که در آن چندان دخیل نبودم، مدتی از همکاری با دوستان محروم مانده و در ترغیب و تنظیم امور این مجلس بحث و تحقیق، یعنی این سمینار آن‌طور که می‌خواستم نتوانستم همکاری کنم و این هم از پیش آمدهای ناهموار و یا نابهنجار زندگی بنده بوده است که به قول ادبا و نویسندگان قدیم باید آن را از کرد و کار نواب روزگار بشمارم»^۱

دکتر نراقی در کتاب خود به بنحو احسن از تأسیس موسسه صحبت کرده است، به بسیاری از زوایا و حواشی اشاره داشته‌ام، به نظر می‌رسد به علت گذشت زمانی طولانی بعضی از اشخاص و پاره‌ای فعالیت‌ها را فراموش کرده است. به عنوان مثال، موسسه در آغاز که هیچکس نبود کتابخانه‌اش زیر نظر دولت و الاتبار آقای هوشنگ دادار با اهدای پاره‌ای از «کتابها و نشریات» مرحوم دکتر صدیقی فعالیت خود را آغاز کرد و با کوشش همان جوان که امروز از پیران قوم است، به صورت یکی از بهترین کتابخانه‌های دانشگاه تهران در آمد، همزمان دبیرخانه و کلیه امور دفتر موسسه نیز زیر نظر درست مرحوم آقای سیدحسین جلالی موسوی قرار داشت که با صمیمیت کارهای اداری موسسه را سر و سامان می‌داد و اینک دستش از دنیا کوتاه است. پیشنهاد نگارنده اینست آقای دکتر نراقی نام این دو عزیز را در چاپهای بعدی کتاب اضافه نماید و من اگر جای ایشان بودم، از «حجت» دربان موسسه و «سیدحسین» متصدی آبدارخانه و «خدایاری» مستخدم کتابخانه و «حسین افضلی» صاحب جمع اموال که هر چهار تن آنها و بسیار کسان دیگر که بر اثر روحیه حاکم بر دانشکده در دوره مرحوم دکتر سیاسی و مودت و محبت و فرهنگ‌گرایی دوره آغازین موسسه، منش «دانشگاهی» و «فرهنگی» یافته بودند، یاد می‌کردم تا آیندگان بدانند در زمان حاکمیت فرهنگ بر یک نهاد، حتی مستخدمان و دربانان و باغبانان و کارکنان آن نهاد هم «فرهنگی» می‌شوند و وظایف خود را به بهترین نحو انجام می‌دهند همچنین من اگر به جای دکتر نراقی بودم از تنها همکار قدیمی خود، به رغم پاره‌ای داوریه‌های دوره جوانی، به لحاظ فعالیت‌های علمی و آموزشی و تحمّل سختیها و گرفتاریها در مسیر رهنمودهای سه استاد

بزرگوار، دکتر علی اکبر سیاسی، دکتر یحیی مهدوی دکتر غلام حسین صدیقی، باقی ماند، و در مقام معلمی و استادی تلاش‌های بسیار از خود نشان داد و با آنکه می‌توانست به‌سان بسیاری از استادان و فرزندان دیگر، ایران را ترک کند و در کشورهای خارجی رفاه و آسودگی و نام و منزلت ظاهری بیشتری به دست آورد، اما این کار را نکرد و در ایران و دانشگاه تهران با همه سختی‌ها ماند و به تعلیم و تربیت دانشجویان ایرانی پرداخت، بیشتر یاد می‌کردم و نشان می‌دادم در درون کشور از بزرگان و ثابت قدمان هنوز هم کسانی هستند که «سرنهند آنجا که باده خورده‌اند» و آن استاد عزیز، دکتر علی محمد کاردان سلمه الله تعالی است که ارادتم به ایشان فزون بر شاگردی و استفاضات علمی، در پی تعریف چهل سال پیش دکتر احسان نراقی به حضرت استاد آغاز شده است که افزونتر باد.

اما آنچه فعالیت‌های دکتر نراقی را ممتاز کرده است، گردآوری استادان و پژوهشگران مختلف العقیده است که هر یک برای خود خط و ربطی و حتی «داعیه» ای داشتند و داشتن آنان به تحقیق و پژوهش در یک محیط نسبتاً «دموکراتیک» از معجزه‌ها بود. ایجاد گروه‌های متعدّد (جامعه‌شناسی)، جمعیت‌شناسی - مسائل اجتماعی و اقتصادی - مطالعات شهری، مسائل مربوط به زلزله، بررسی جامعه روستایی، مردم‌شناسی، فرهنگ عامه، فرشهای ایرانی مطالعات عشایری - جغرافیای انسانی و تاریخی، روانشناسی اجتماعی و جغرافیا) و گسترش پژوهشها به راهنمایی یکی از استادان یا پژوهشگران برجسته (دکتر صدیقی، دکتر نراقی، دکتر راسخ، دکتر بهنام، دکتر کاردان، پل ویسی، شاستلان، بسینیه و به مرور دکتر امانی، دکتر زنجانی، بنی صدر، حبیبی، افشار نادری، جواد صفی‌نژاد و دیگران) و پدید آوردن بررسیهای تفصیلی و تحلیلی از کارهای عمده‌ای بود که هیچ موسسه و نهادی در این مدت اندک، چنین تلاش و دست‌آوری نداشته است.

همزمان با کارهای تحقیقی کتابهایی از سوی استادان و اهل فضل تألیف یا ترجمه شده است که نسل آن روز جامعه ایران را که به علوم اجتماعی اندک اندک علاقه‌مند شده بودند، در مسیر داشتن این نوع معارف انسانی قرار داده است. فهرست تحقیقات مربوط به گروه‌ها و فهرست انتشارات موسسه در زمانی کمتر از ده سال نشان دهنده این واقعیت است.

تحقیقات مربوط به گروه‌ها

۱ - بخش عشایری: به فارسی ۱۶ عنوان - به فرانسه ۱۱ عنوان - فیلم ۴ عنوان

۲ - بخش روستایی؛ به فارسی ۴۵ عنوان

۳ - بخش جمعیت‌شناسی؛ به فارسی ۳۱ عنوان - به فرانسه ۹ عنوان

۴ - بخش روانشناسی اجتماعی؛ به فارسی ۱۱ عنوان

۵ - بخش جامعه‌شناسی ایران؛ به فارسی ۲۷ عنوان

۶ - بخش اسناد و مدارک؛ به فارسی ۱۳ عنوان

۷ - مقالات مختلف به فرانسه: ۲۵ عنوان

به انگلیسی ۱ عنوان

به فارسی ۴۱ عنوان

انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

۱ - کشورهای توسعه نیافته

۸۰ ریال ۱۳۴۰ Y. Lacost، ترجمه دکتر هوشنگ نهاوندی

۲ - روش مردم‌شناسی

۴۰ ریال ۱۳۴۰ P. Bessagnet، ترجمه دکتر علی محمد کاردان

۳ - مقدمه بر علم جمعیت

۹۰ ریال ۱۳۴۰ A. Sauvy، ترجمه دکتر جمشید بهنام

۴ - طرح روان‌شناسی طبقات اجتماعی

۱۱۰ ریال ۱۳۴۰ M. Halbwachs، ترجمه دکتر علی محمد کاردان

۵ - روش مردم‌شناسی (به زبان فرانسوی)

۴۵ ریال ۱۳۴۰ Méthode de l'anthropologie P. Bessagnet

۶ - فشن‌دک به ضمیمه جغرافیایی طالقان (دفترهای مونوگرافی ۱)

۷۵ ریال ۱۳۴۱ هوشنگ پورکریم - محمد حسن صنیع الدوله مهرماه

۷ - جمعیت‌شناسی، جلد اول، دموگرافی عمومی

۱۰۰ ریال ۱۳۴۱ دکتر جمشید بهنام مهرماه

۸- انسان گرسنه (ژنوپلیتیک گرسنگی)

ریال ۲۳۵ ۱۳۴۱ مه‌رماه J. De Castro ترجمه منیره جزیبی (مهران)

۹- یوش (دفترهای مونوگرافی ۲)

ریال ۷۵ ۱۳۴۲ خردادماه سیروس طاهباز

۱۰- جغرافیای اصفهان (دفترهای مونوگرافی ۲)

ریال ۷۰ ۱۳۴۲ میرزا حسین خان، بکوشش دکتر منوچهر ستوده مه‌رماه

۱۱- جزیره خارک در دوره استیلای نفت (دفترهای مونوگرافی ۴)

ریال ۸۰ ۱۳۴۲ شهریورماه خسرو خسروی

۱۲- روشهای مقدماتی آماری

دکتر عباسقلی خواجه نوری، مهندس عزت‌الله راستکار،

نصرت‌الله سرداری، مهندس ابوالقاسم قندهاریان،

ریال ۲۰۰ ۱۳۴۲ آبان‌ماه مهندس علی مدنی

۱۳- تاریخ اجتماعی ایران در دوران پیش از تاریخ و آغاز تاریخ

ریال ۱۴۰ ۱۳۴۲ دی‌ماه سعید نفیسی

۱۴- اصول حکومت آتن

ارسطو. ترجمه باستانی پاریزی

۱۵- ایلخچی (دفترهای مونوگرافی ۵)

ریال ۱۰۰ ۱۳۴۲ اسفندماه غلامحسین ساعدی

۱۶- تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان

ریال ۱۴۰ ۱۳۴۲ اسفندماه سعید نفیسی

۱۷- قواعد روش جامعه‌شناسی

ریال ۱۲۰ ۱۳۴۳ خردادماه E. Durkheim ترجمه دکتر علی محمد کاردان

۱۸- ایل باصری (دفترهای مونوگرافی ۶)

ریال ۱۰۰ ۱۳۴۳ شهریورماه F. Barth ترجمه دکتر کاظم ودیعی

۱۹- روشهای تحلیلی جمعیت‌شناسی

ریال ۷۰ ۱۳۴۳ شهریورماه دکتر مهدی امانی

۲۰- اقتصاد جهان فردا

ریال ۹۰ ۱۳۴۳ شهریورماه دکتر هوشنگ نهاوندی

۲۱- بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران

ریال ۲۵۰ ۱۳۴۳ شهریورماه

۲۲- اصول برنامه‌ریزی رشد اقتصادی

- ۲۳- روش مردم‌شناسی بسینه
- ۲۴- کشورهای توسعه نیافته
- ۲۵- نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری
«مطالعه از نظر جامعه‌شناسی سیاسی»
- ۲۶- روشهای تحقیق در علوم اجتماعی (جلد اول)
- ۲۷- اصول علوم سیاسی (جلد اول)
- ۲۸- واقعیات حاصل از ارقام
- ۲۹- روش بررسی و شناخت کلی ایلات عشایر
- ۳۰- خیابو یا مشکین شهر
- ۳۱- بیرق ایران (تألیف ۱۷)
- ۳۲- نشر اندیشه‌ها و روش‌های نو در روستا
- ۳۳- روشهای توسعه اقتصادی
- ۳۴- کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول (ج ۲)
- ۳۵- کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول (ج ۲)
- | | | | | |
|------|-----|------|-------------|--|
| ریال | ۶۰ | ۱۳۴۳ | آذرماه | ترجمه دکتر امیرحسین جهانگلر |
| ریال | ۶۰ | ۱۳۴۳ | دیماه | P. Bessagnet ترجمه دکتر علی محمد کاردان چاپ دوم |
| ریال | ۸۰ | ۱۳۴۳ | فروردین ماه | ایلوکرت دکتر هوشنگ نهاوندی چاپ دوم |
| ریال | ۲۷۰ | ۱۳۴۴ | خرداد ماه | خانم زهرا شجیعی تحقیقی شماره ۲ |
| ریال | ۲۱۰ | ۱۳۴۴ | خرداد ماه | ترجمه دکتر خسرو مهندسی |
| ریال | ۱۵۰ | ۱۳۴۴ | مرداد ماه | دکتر رضا علمی |
| ریال | ۳۲۰ | ۱۳۴۴ | تیر ماه | ترجمه مهندس قندهاریان |
| ریال | ۱۱۰ | ۱۳۴۴ | شهریور ماه | نوشته: دکتر پرویز ورجاوند |
| ریال | ۱۰۰ | ۱۳۴۴ | آبان ماه | نوشته: غلامحسین ساعدی |
| ریال | ۸۵ | ۱۳۴۴ | آبان ماه | تألیف حمید نیرنوری |
| ریال | ۷۵ | ۱۳۴۴ | دی ماه | نوشته: مهندس عطاءالله معتدل |
| ریال | ۳۵ | ۱۳۴۴ | اسفندماه | به قلم جان گالبرایت، ترجمه دکتر هوشنگ نهاوندی اسفندماه |
| ریال | ۱۳۵ | ۱۳۴۴ | اسفندماه | ترجمه کریم کشاورز |
| ریال | ۱۵۰ | ۱۳۴۴ | اسفندماه | ترجمه کریم کشاورز |

۳۶- اهل هوا

- نوشته دکتر غلامحسین ساعدی
اردیبهشت ۱۳۴۵ ۷۰ ریال
۳۷- مسائل روان‌شناسی جمعی و روان‌شناسی اجتماعی
- ترجمه دکتر علی محمد کاردان
فروردین ماه ۱۳۴۵ ۸۰ ریال
۳۸- طالب آباد
- تألیف جواد صفی‌نژاد
اردیبهشت ۱۳۴۵ ۲۷۰ ریال
۳۹- مسائل کشورهای آسیایی و افریقایی
- تألیف مجید رهنما
مرداد ماه ۱۳۴۵ ۱۲۰ ریال
۴۰- بزهکاری نوجوانان
- ترجمه: دکتر ابراهیم رشیدپور
شهریور ماه ۱۳۴۵ ۵۰ ریال
۴۱- جمعیت‌شناسی عمومی جلد اول (چاپ دوم)
- تألیف دکتر جمشید بهنام
آذر ماه ۱۳۴۵ ۱۰۰ ریال
۴۲- تاریخ اجتماعی کاشان
- تألیف حسن نراقی
مهر ماه ۱۳۴۵ ۱۲۰ ریال
۴۳- برنامه‌ریزی در پنج کشور اروپای غربی، شرقی
- ترجمه ابوالفضل قاضی
خرداد ماه ۱۳۴۶ ۱۰۰ ریال

فهرست مکمل: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

- ۱۳۴۷ ۱- فهرست مقالات عمومی: جمشید اجتماعی ج ۱
- ۱۳۴۸ ۲- جمعیت‌شناسی عمومی: جمشید بهنام چاپ دوم
- ۱۳۴۸ ۳- جامعه‌شناسی کشورهای صنعتی: رمون آن، ترجمه رضا علوی
- ۱۳۴۸ ۴- ارتباط جمعی و رشد ملی: ویلبر شرام، ترجمه ابراهیم رشیدپور
- ۱۳۴۹ ۵- مردم‌شناسی: ژان کازنو، ترجمه ثریا شیبانی
- ۱۳۴۹ ۶- تخصص و نیروی انسانی: عبدالعلی فرمانفرثیان
- ۱۳۴۹ ۷- جهان سوم و کشورهای پیشرفته: شاترجه، دره مهاجرانی (میرحیدر)
- ۱۳۴۹ ۸- بحران دنیای متجدد: رنه گنون، ترجمه ضیاءالدین دهشیری

۳- شکل‌شناسی کتاب

کتاب «نظری به تحقیقات اجتماعی در ایران» به لحاظ شکل و قواره و تنظیم و تدوین، خالی

از اشکال نیست و به باور نگارنده جا دارد بخشهایی از این کتاب و بخشهای دیگری که در گفت و گو با آقای ابراهیم نبوی (در خشت خام) انتشار یافته است دوباره با قلم شخص دکتر احسان نراقی همانند کتاب سیر تکوینی علوم اجتماعی به رشته تحریر در آید و از حشو و زوائد آن کاسته شود و یک سره «تحقیقات اجتماعی» را در ایران بیان دارد.

این کتاب با کتاب تکوینی در علوم اجتماعی و حتی با کتابهای دیگر دکتر نراقی فوق دارد، غیر از تصاویر در حدود ۵۲۲ صفحه است از صفحه ۹ تا صفحه ۱۹۷ گفت و گو با دکتر نراقی است که یک بخش آن مربوط به پیش از تأسیس مؤسسه است و استاد در این بخش دوران آموزش و خودسازی خود را بیان کرده است، بخش دوم فعالیت‌های مربوط به مؤسسه است که پیام محوری استاد است. و بخش سوم مربوط به دوره‌ای است که اختناق و استبداد پژوهشی به گونه‌ای است که استاد دوباره به یونسکو بازگشته و در بخش جوانان و پس از آن در بخش امور فرهنگی آسیا، انجام وظیفه کرده است و تجربیات و اشاراتی در این بخش به چشم می‌خورد که سیار آموزنده و انسانی است.

از صفحه ۱۹۹ تا صفحه ۲۳۵ زیر عنوان تأسیس مؤسسه مقاله‌ای به قلم آقای عطا آیتی است. و مجدداً از صفحه ۲۳۷ تا صفحه ۲۶۰ زیر عنوان گروه‌های تحقیق در مؤسسه نوشته آقای دکتر نراقی است و از صفحه ۲۶۱ تا صفحه ۲۹۲ مقاله‌ای است از آقای دکتر نراقی زیر عنوان هدف و روش تحقیقات اجتماعی در ایران که در نامه علوم اجتماعی (شماره سوم ۱۳۴۸) چاپ شده است و از صفحه ۲۹۳ تا ۳۲۳ مقاله دیگری است که مولف محترم در کنگره ایران‌شناسی، زیر عنوان جنبه‌های انسانی در تحقیقات علمی و اجتماعی (در سال ۱۳۵۲) ایراد کرده است. آنگاه گفت و گویی است که آقای عطا آیتی با ژان کلود شاستلان کرده و زیر عنوان از سرشماری تا تحقیقات جمعیت‌شناسی از صفحه ۳۲۳ تا صفحه ۳۵۴ به چاپ رسیده است. آقای آیتی زیر عنوان مردم‌شناسی نوشته دیگری را از صفحه ۳۵۵ تا ۴۱۲ به چاپ رسانده است که ورود به آن مطالب مقاله دیگری را طلب می‌کند. کتاب «نظری به تحقیقات اجتماعی در ایران» دارای ضمیمه‌ای است از صفحه ۴۲۱ تا صفحه ۵۰۱ که زیر عنوان‌های رویای یک رندانی (مقاله‌ای که به مناسبت شصتمین سال تولد فدریکو مایور توسط آقای دکتر نراقی در یادنامه‌ای به زبان فرانسه انتشار یافته و آقای آیتی آن را به پارسی برگردانده است). مردم‌شناسی انتقادی در سطوح متعدد (گفت و گویی است که توسط آقای آیتی با ژرژ بالاندیه شده و ترجمه فارسی آن بیشتر در مجله بخارا (سال اول شماره ۱) به چاپ رسیده است). ایران در خاطرات ژرژ بالاندیه (مقاله دیگری است به همان صورت که پیشتر در مجله کلک (شماره ۹۱ - ۸۹) سال ۱۳۷۰ به چاپ رسیده است)

این گونه کتاب آرایی در نظر «اهل کتاب» بی‌اشکال نیست خاصه اینکه بسیاری از مطالب با همان انشاء در صفحات مختلف آمده باشد برای مثال مطالب صفحات ۱۴۹ - ۱۵۵ - در صفحات ۲۲۹ به بعد.

مطالب صفحه ۱۵۶ در صفحه ۲۵۰

مطالب صفحه ۱۶۰ در صفحه ۲۵۲

مطالب صفحه ۱۶۲ در صفحه ۲۵۳

مطالب صفحات ۱۹۱ تا ۱۹۶ در صفحات ۲۵۵ به بعد و نقض و کاهش‌های دیگر درباره‌ای صفحات که حتماً در تجدید چاپ به آنها توجه خواهد شد هر چند نگارنده اعتقاد دارد که اگر این کتاب از حالت «جنگ» بودن و چند «انشایی» خارج شود و جنبه گفت و گوی آن به تحریر منبج در روند تاریخی - منطقی قرار گیرد، خوانندگان را به سان کتاب ماندگار «سیر تکوینی در علوم اجتماعی» به فیض بیشتری خواهد رساند.

در پایان برای اینکه نسل امروز از برداشت علمی و آموزنده و روشنگرانه دکتر نراقی و راه‌های ارائه شده ایشان در ۲۵ تا ۳۰ سال پیش آگاهی یابند به آوردن چند جمله به عنوان «خاتمة الکلام» بسنده می‌کنیم

الف - نقد تحلیل غربی

«درسی - چهل سال اخیر، جامعه‌های غیر غربی را می‌بینیم که با نوعی اقتباس مصنوعی و ظاهری علوم و فنون غربی، آن‌هم تنها به خاطر «عقب‌نماندن از قافله تمدن» و برخوردار شدن از «فواید» علوم و فنون خود را در تنگناهای عجیب و غریب اسیر کرده‌اند. و غربی‌ها نیز به خاطر تفوق طلبی فرهنگی خود^۱ و این که برای دیگر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها «اصالتی» نظیر تمدن و فرهنگ خودشان قائل نبودند، به این جریان، دانسته یا ندانسته، دامن زدند. برای نمونه، غربی‌ها، در دیگر جوامع، به خصوص در جوامع روبه توسعه، شایع کردند که تنها کشورهایی می‌توانند از «مزایای» علوم و فنون جدید بهره‌مند شوند، و به اصطلاح در راه «مدرنیزه» شدن گام بردارند، که همه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی خود و کلیه روابط و شؤون زندگی فرهنگی و اقتصادی خویش را براساس «روبر»های غربی «بازسازی» کنند. بسیاری از جامعه‌شناسان ادعا کردند که

۱- «عوامل این تفوق طلبی و استعمار فرهنگی غرب، در نیم قرن اخیر، اغلب کسانی بوده‌اند که دانسته یا ندانسته، خواهان پذیرش همه ارزش‌های غربی بوده‌اند؛ - حتی: گاهی، ظاهراً از موضع انقلابی و یا انتقادی - و این افراد، آشکارا، مردم را به تهی شدن از تمام ارزش‌ها، آداب و سنن و خلاصه فرهنگ ملی خود،

معنای پیشرفت در زندگی سیاسی هر یک از کشورهای در حال توسعه این است که آن کشور مؤسسات و سازمان‌های سیاسی خود را هر چه بیشتر به الگوهای غربی نزدیک کند. سخن آنها این بود که، در میان کشورهای رو به توسعه، کشوری را می‌توان «نوجوتر» نامید که آمادگی بیشتری برای پذیرش نه فقط علوم و فنون بلکه تمام رسوم غربی داشته باشد. در این زمینه، برخی از جامعه‌شناسان حتی ملاک‌های «آمادگی برای پیشرفت» را نیز تعیین کردند. اینان در برخی از جامعه‌های آفریقایی کاوش کردند و به این نتیجه رسیدند که «قابلیت» هر کشور را برای «پیشرفت» می‌توان براساس «ملاک‌هائی خاص بازشناخت. مهمترین «ملاک‌های» آمادگی برای پیشرفت، به نظر این جامعه‌شناسان عبارتند از:

۱ - استنباطی که مردم هر کشور از زمان دارند. بدین معنی که هر چه مردم یک کشور به «آینده» بیشتر از «گذشته» توجه داشته باشند، قابلیت آنان برای پیشرفت و نوسازی بیشتر است.

۲ - اعتقاد به تشکیلات متمرکز دولتی و «بورکراسی»، بدین معنی که هر چه وابستگی و سرسپردگی مردم یک جامعه به سازمان‌ها و تأسیسات تمرکز یافته دولتی بیشتر باشد، پیشرفت اجتماعی برای آنان آسانتر خواهد بود.

۳ - بی‌اعتنایی به ارزش‌های سنتی؛ بدین معنی که هر چه دلبستگی مردم یک کشور به سنت‌های فرهنگی گذشته خود کمتر باشد، آمادگی آنان برای پیشرفت و نوسازی بیشتر خواهد بود.

پی‌بردن به مقصود نهائی جامعه‌شناسانی که چنین «ملاک‌هائی» را شاخص آمادگی جامعه‌های غیر غربی برای «پیشرفت» می‌دانند به هیچ وجه دشوار نیست. اینان می‌خواهند مردم همه جوامع دیگر از سنت‌ها و سوابق فرهنگی و تاریخی خویش دست بشویند و همه جنبه‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی خود را، براساس «روبر»ها و نمونه‌های غربی بازسازی کنند. علت این تمایل را، گذشته از مقاصد استثماری، باید در نخوت و غروری جست و جو کرد که غرب و جامعه‌شناسان آن دیار را از دیر باز اسیر خود کرده است. هنوز نیز بسیاری از سر رشته داران و جامعه‌شناسان غربی برآنند که تمدن و فرهنگ غرب «جهان شمول»^{*} است و، در برابر این یگانه یا بزرگترین نوع تمدن و فرهنگ جهانی، دیگر تمدن‌ها و فرهنگ‌های انسانی حالتی «فرعی» و «غیر اصیل» و «گذرا» دارند و، دیر یا زود، ناگزیر خواهند بود که خود را براساس ملاک‌های غربی، «نوسازی» کنند. بسیاری از جامعه‌شناسان غربی، بدین ترتیب، «پیشرفت و تکامل» را چیزی جز «غربی شدن» نمی‌دانند.

اما در بیست سال گذشته، آشکار شده است که حقیقت درست برخلاف نظر این‌گونه

جامعه‌شناسان است.

همان سه «ملاکی» را که در بالا از آنها یاد کردیم دوباره در نظر آوریم.

۱- اکنون دیگر بر همگان روشن شده است که توجه داشتن به «آینده» به هیچ وجه مستلزم قطع رابطه فرهنگی با «گذشته» نیست؛ و جامعه‌ای که «گذشته» خود را فراموش کند، به ناچار «هویت فرهنگی» خود را از دست می‌دهد و به سوی نوعی «از خود بیگانگی» حرکت می‌کند. به کار بستن الگوها و نمونه‌های غربی نتیجه‌ای جز «همسان شدن» جوامع بشری با یکدیگر نمی‌تواند داشته باشد. اما، امروزه حتی برخی از متفکران غربی نیز، خود، به این حقیقت پی برده‌اند که، با گوناگون بودن شرایطی اقلیمی و جغرافیائی در مناطق متفاوت جهان تنوع تمدن‌ها و فرهنگ‌ها امری ضروری بوده است، و در حقیقت، همین تنوع فرهنگی است که بقا و دوام اقوام و ملل متفاوت را در نقاط گوناگون جهان ضمانت می‌کند.

۲- بورکراسی غربی، با تشکیلات دولتی و سازمان‌های متمرکز خود، ظاهراً بسیار عقلانی، منطقی و اساسی به نظر می‌رسد، زیرا بسیاری از نیازهای زندگی اجتماعی مردم را برآورده می‌سازد. با این همه، به خصوص در ده ساله اخیر، مردم بسیاری از کشورهای غربی دریافته‌اند که بورکراسی تمرکز یافته دولتی نمی‌تواند تمام مسائل و مشکلات آنان را حل و فصل کند، و بهتر آن است که متمرکز بودن همه کارها در دست سازمان‌های دولتی هر چه بیشتر تقلیل یابد و حتی در محله‌ها و روستاها باید «واحد‌های کوچک و تا حدی خود مختار تشکیل شود تا هر یک بتوانند، مستقیماً، مسائل و مشکلات مردم «محل» را بشناسند و به حل کردن آنها همت گمارند. خلاصه این که تشکیلات را بشناسند و به حل کردن آنها همت گمارند. خلاصه این که تشکیلات متمرکز دولتی را، با همه کارشناسان و متخصصان و کامپیوترها و دیگر ابزارهای «پیشرفته» آنها، به هیچ وجه نمی‌توان «نشانه پیشرفت و ترقی» شمرد.

۳- بی‌اعتنایی به ارزش‌های سنتی نیز به هیچ وجه نشانه‌ای از آمادگی یک جامعه برای «پیشرفت» نیست. در حقیقت، امروزه در کشورهای غربی، علت بسیاری از گرفتاری‌ها و بیماری‌های روانی نسل جوان از قبیل اسارت آنان در چنگ انواع اعتیادها و گرایش ایشان به فرار از خانواده و حتی مملکت خود، چیزی جز نتیجه بی‌ایمان شدن آنان به ارزش‌ها، سنت‌ها و معتقدات «گذشته» جامعه خویش نیست.^۱

ب- عنایت به جامعه و فرهنگ ایرانی

در ایران فرهنگ‌های فرعی متعددی با ریشه‌های متفاوت وجود دارد، لکن همه آنها، با

وجود منشاء متفاوتشان، دارای گذشته‌ای مشترک هستند. به عبارت دیگر، در ووای این کثرت، وحدت فرهنگی نیرومندی وجود دارد که از ایلی و روستایی و شهری پیکری واحد می‌سازد؛ آنچنان وحدتی که فرهنگ ایران را به دفعات از تهاجم فرهنگ‌های بیگانه‌های رهایی بخشیده است. مظهر بارز این وحدت اشاعهٔ زبان و ادب فارسی در سراسر کشور است. آنچنانکه چادر نشین کرد و لر هفت پیکر نظامی و شاهنامهٔ فردوسی را با فصاحت مردان ادب حکایت می‌کند. همچنین، اقوامی که به لهجهٔ ترکی تکلم می‌کنند بسیاری از اشعار فارسی را از بردارند.

علاوه بر این، باید به تاریخ سیاسی مملکت نیز توجه کرد، زیرا، در واقع، هیچ ایلی در ایران وجود ندارد که به نحوی در حوادث تاریخی مملکت نقشی نداشته باشد. وانگهی، وجود خرابه‌ها و تپه‌ها در دل کوهستانهای اغلب مناطق ایل نشین گواه روشنی است بر اینکه در گذشته تمدن‌هایی عالی در این مناطق وجود داشته است. باید اذعان کرد که هر تحقیق انسان‌شناسی در ایران مستلزم شناسایی عمیق زبان و تمدن ایرانی است.

به عقیدهٔ ما، دیگر زمان تحقیقات منفرد، چه اکتشافی چه عمقی، به اتکای همکاری مترجمان سر آمده است. انسان‌شناس غربی به صورت‌های ویژهٔ هر ساخت اجتماعی، که آن را تقریباً تغییر ناپذیر تلقی می‌کند، توجه دارد و کمتر در قید دگرگون ساختن آنها در جهت بهبود زندگی جماعتی که موضوع بررسی هستند، می‌باشد. هدف اصلی او یافتن ساختهای ویژه است و کار او محدود به جایگزین کردن واقعیت‌های ملموس فرهنگ بررسی شده در مجموعهٔ نظریه‌ها، مفاهیم و سیستم‌های انسان‌شناسی غربی است. او رفتار و واکنش‌های افراد را (که غالباً بر حسب حالات جسمانی، روانی، و قومی انسان متفاوت است) بررسی می‌کند و از خلال آن سوابق فرهنگی ملتی را استنتاج می‌کند. آیا فرهنگی که این چنین تفسیر شود در نهایت امر چیزی جز مفاهیم ساختهٔ ذهن خود انسان‌شناس نخواهد بود؟

انسان‌شناس محلی رسالتی دیگر دارد. او از دیدگاهی دیگر به موضوع می‌نگرد، یعنی با ایدئولوژی و غایت تحقیقش از همکار غربی خود جدا می‌شود. اگر انسان‌شناس غربی در برابر وضع زندگی انسان‌هایی که بررسی می‌کند، تأثیری نشان نمی‌دهد، انسان‌شناس محلی سودای دیگر دارد و به دگرگون کردن آن می‌اندیشید.^۱

توفیق روزافزون علمی و فرهنگی استاد را که در این روزگار تنها «عاقبت به خبری» همه ایرانیان، در ایران و سراسر جهان است، از خدای متعالی خواهانم